



MfJ

مجله فقه پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و چهارم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/mf>



مقاله پژوهشی

بازخوانی دیه منافع ناشی از شکستن سر در قانون مجازات اسلامی (پیشنهاد حذف ماده ۶۷۸ و اصلاح ماده ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی)

طه زرگریان^{*۱}

۱. استادیار، گروه حقوق دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: برخی از جنایات که بر سر و جمجمه مجنی علیه وارد می آید، می تواند مغز وی را دچار آسیب کرده و منافع تحت فرمان مغز را با اختلال یا زوال کامل مواجه نماید. سر مجنی علیه در فرض مذکور با تعدد جنایت همراه است؛ جنایت اول آن است که خود سر یا جمجمه مورد آسیب قرار گرفته و جنایت دوم آن که بر منفعتی اعم از بینایی، شنوایی، عقل، بویایی و ... در اثر جنایت اول، حادث شود. هرچند قانونگذار جزایی برای زوال منافع مذکور به تقنین مواد قانونی اقدام کرده، اما بعضی از مواد قانونی مورد نظر در تعارض با یکدیگر هستند.

مواد و روش ها: مطالب موجود در مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای از طریق فیش برداری جمع آوری شده است.

نتیجه گیری: قانونگذار جزایی با وضع ماده ۵۴۶ ق.م.ا به طور کلی مقرر کرده که اگر جنایت دوم در اثر جنایت اول بوده و با ضربه واحد صورت گرفته باشد، آنگاه علی رغم تعدد جنایات به تداخل دیات حکم می شود. لکن با مذاقه در مواد قانونی ۶۷۸ و ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی می توان دریافت که قانونگذار با ورود به زوال منافع عقل و بینایی در اثر شکستگی سر، بدون آنکه توجهی به رابطه جنایت دوم با جنایت اول داشته یا تقسیمی برای ضربه واحد و متعدد قائل باشد مطلقاً به تعدد دیات حکم کرده است. حکم مطلق تعدد دیات در دو ماده ۶۷۸ و ۶۹۲ موجب تحقق تعارض میان دو ماده مذکور با قاعده کلی ماده ۵۴۶ ق.م.ا شده است؛ تا آنجا که کارشناسان قضایی را با ابهام مواجه کرده و منتهی به نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه می شود. پژوهش حاضر براساس روش توصیفی تحلیلی درصدد است با ارزیابی فقهی قاعده متخذ از ماده ۵۴۶ ق.م.ا کفایت ماده مذکور برای موضوعات مربوطه را اثبات نموده و حذف ماده ۶۷۸ و اصلاح بخش دوم ماده ۶۹۲ را پیشنهاد دهد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

واژگان کلیدی:

دیه

دیه منافع

شکستن سر

قانون مجازات اسلامی

* نویسنده مسئول: طه زرگریان

آدرس پستی: دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)،
بروجرد، ایران.

پست الکترونیک:

tahazargariyan93@abru.ac.ir

۱. مقدمه

موضوع دیات در نظام حقوقی جزایی به جهت کاربرد شایع آن در پرونده‌های جنایی از جمله موضوعات حساس و به جهت مبتنی بودن آن بر دانش فقه از دشواری خاص خود برخوردار است. حساسیت و دشواری مذکور، موجب می‌شود که تقنین مقررات دیات با دقتی دوچندان و همه‌جانبه وضع شود تا از هرگونه تضییع حقوق طرفین، جلوگیری به عمل آید. ازجمله جنایاتی که در پرونده‌های متعدد جزایی قابل مشاهده است جنایت بر جمجمه است که می‌تواند منجر به زوال منافع تحت فرمان مغز شود. با دقت در قانون مجازات اسلامی می‌توان عبارت «شکستن سر» و منتهی شدن آن به زوال منافع عقل و بینایی را به ترتیب در مواد ۵۴۶، ۶۷۸ و ۶۹۲ آن قانون مورد مطالعه قرار داد. چگونگی محاسبه دیه شکستن سر با توجه به زوال منافع عقل و بینایی مسئله پژوهش حاضر است. هرچند قانونگذار بر پایه ماده ۵۳۸ ق.م.ا بر این باور است که در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است، اما ناظر بر همان استثناء موجود در ماده ۵۳۸ ق.م.ا می‌توان قاعده‌ای را دریافت که برخلاف اصل تعدد به تداخل دیات حکم شده است. مصداق بارز قاعده تداخل دیات در ماده ۵۴۶ ق.م.ا قابل رؤیت است؛ مفاد ماده مذکور عبارت است از اینکه اگر سبب زوال عقل، جنایت شکستن سر باشد، آنگاه فقط دیه بیشتر لازم خواهد شد. لازم به ذکر است که حکم تداخل دیه زوال عقل در دیه شکستن سر به عنوان مصداق این دست جنایات مطرح است و قاعده کلی براساس صدر ماده ۵۴۶ ق.م.ا از این قرار است: «چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید ... هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند». براساس مطالب مذکور، می‌توان گفت ماده ۵۴۶ ق.م.ا علاوه بر توجه به اصل تعدد دیات به موضوع تداخل دیات توجه داشته و ضابطه عامی برای این موارد تعیین کرده است. لکن وقتی مواد ۶۷۸ و ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار داده

می‌شود آنگاه اعتبار همپوشانی لازم میان دو ماده مذکور با ماده ۵۴۶ زیر سؤال می‌رود زیرا قانونگذار زوال عقل را در اثر شکستن سر در ماده ۶۷۸ به طور عام و بدون هیچ‌گونه تخصیصی مشمول تعدد دیات می‌داند «هریک دیه یا ارش جداگانه‌ای دارد» همین رویه درباره زوال بینایی در اثر جنایت شکستن سر قابل مشاهده است؛ آنجا که مقرر می‌دارد اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هرکدام حسب مورد دیه یا ارش جداگانه دارد. اکنون پژوهش حاضر درصدد آن است تا با در نظر گرفتن مواد قانونی مرتبط و همچنین ناظر بر رأی مشورتی موجود از سوی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، تعارض حاضر را به مبانی فقهی و حقوقی عرضه کرده و پیشنهادی جهت اصلاح موضوع مورد نظر ارائه دهد. پژوهش حاضر با مذاقه در سه ماده قانونی ۵۴۶ ق.م.ا، ۶۷۸ ق.م.ا و ۶۹۲ ق.م.ا، وجود تعارضی آشکار را میان آنها یافته است که موضوع چگونگی حکم دیات را در جنایات متعدد در هاله‌ای از ابهام فرو برده به گونه‌ای که فعالان عرصه قضایی را به پرسش درباره آن واداشته است. اگر ابهام سه ماده مذکور، مورد واکاوی و حل و فصل قرار نگیرد، یقیناً اجرای عدالت بر مبانی صحیح فقهی و حقوقی میان طرفین ممکن نخواهد بود. اهمیت پژوهش حاضر از نوع اهمیت کاربردی در تبیین قوانین موضوعه جزایی است. با تعمق در آثار اصیل فقهی می‌توان گفت علی‌رغم پژوهش‌های فاخر موجود، پژوهشی که موضوع زوال منافع را در اثر شکستن سر به بحث گذارده و دیه آنها را ناظر بر مواد قانونی موجود بسنجد و وجود تعارض یا عدم تعارض را با مواد دیگر قانونی مورد توجه و ارزیابی قرار دهد، میان پژوهش‌های موجود قابل مشاهده نیست. نوآوری پژوهش حاضر در ارزیابی انتقادی قوانین موضوعه است که با مبانی فقهی و حقوقی به این مهم اقدام شده است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از آنها به بررسی رویه قانونی مربوط

۵-۱. جنایات ناشی از شکستن سر

هرگاه جنایتی اعم از صدمه یا جراحت بر سر مجنی‌علیه وارد آید، ممکن است آثار متفاوتی مانند کوفتگی یا انواع شجاج که نتیجه طبیعی آن جنایت هستند بر سر مجنی‌علیه حادث شود. لکن محتمل است که آثار به وجود آمده در سر مجنی‌علیه به تحقق یک جنایت جدید منجر شود؛ مانند اینکه ضربه‌ای به سر وارد آید و علاوه بر تحقق دامیه که نتیجه طبیعی شدت ضربه است، دامیه عفونت کرده و به متلاحمه تبدیل شود. همچنین ممکن است که دامیه عفونت کند و منجر به فساد استخوان جمجمه شود. از احتمالات دیگر می‌توان به زوال منافع اشاره کرد؛ زیرا ممکن است که دامیه عفونت کرده و تا مغز سرایت نماید و فرمان مغز را در پوشش منافع تحت تأثیر خود قرار دهد. براساس مطالب مذکور باید گفت هرگاه سر مجنی‌علیه مورد اصابت صدمه یا جراحت واقع شود، محتمل است که جنایت جدیدی اعم از جراحت، شکستگی یا زوال منفعت برای مجنی‌علیه حادث شود.

۵-۲. زوال منافع ناشی از شکستن سر

همان‌طور که گفته شد، جنایت دوم (جدید) که در اثر جنایت اول حادث می‌شود می‌تواند اعم از جراحت، شکستگی و زوال منفعت باشد اما آنچه که مورد نظر پژوهش حاضر است؛ جنایت زوال منافع در اثر شکستگی یا ضربه سر می‌باشد. هرگاه سر مجنی‌علیه بشکند یا ضربه ببیند، محتمل است که جراحت پدید آمده در سر به زوال یک یا چند منفعت در مجنی‌علیه منتهی شود؛ مانند اینکه بینایی زائل شود یا شنوایی یا بویایی نقصان یابد. قانونگذار نسبت به زوال منافع در اثر جنایت بر سر توجه داشته است؛ ماده ۵۴۴ ق.م.ا. شاهی بر مدعی مذکور است: «هرگاه در اثر یک یا چند رفتار، منافع متعدد زائل یا ناقص شود مانند اینکه در اثر ضربه به سر، بینایی، شنوایی و عقل کسی از بین برود یا کم شود، هریک دیه جداگانه دارد.» براساس ماده مذکور، زوال منافع بینایی و شنوایی و عقل، می‌تواند اثر ضربه به سر باشد که

به سه ماده ۵۴۶ ق.م.ا، ۶۷۸ ق.م.ا و ۶۹۲ ق.م.ا و نظرات فقهی پزشکی مرتبط با زوال منافع ناشی از جنایت سر می‌پردازد.

۳. یافته‌ها

براساس ارزیابی‌های فقهی صورت گرفته، معلوم می‌شود که قاعده استثنایی ماده ۵۴۶ ق.م.ا درباره تداخل دیات با ضوابط روایی و فقهی امامیه همپوشانی دارد و همین که زوال منفعت در طول جنایت قبل از خود ایجاد شود، دیه کمتر در بیشتر تداخل کرده و باید فقط به یک دیه حکم شود.

۴. مفهوم‌شناسی

۴-۱. جمجمه (سر)

سر انسان از یکسری کمپارتمنت‌های اصلی که به وسیله استخوان و بافت نرم شکل گرفته تشکیل می‌شود که عبارتند از حفره جمجمه‌ها، حفره‌های دو گوش، دو حفره مربوط به کاسه‌های چشم، دو حفره بینی و حفره دهان. بزرگترین این کمپارتمنت‌ها، حفره جمجمه می‌باشد که در برگیرنده مغز و پرده‌های مرتبط با آن است. جمجمه بدون شمردن استخوانچه‌های گوش، ۲۲ استخوان دارد. استخوان‌های جمجمه به غیر از مندیبل که آواراه تحتانی را تشکیل می‌دهد با سوچرها به هم متصل شده و بی‌حرکت هستند که کرانیوم را تشکیل می‌دهند (۱).

۴-۲. جنایت

واژه جنایت نزد زبان‌شناسان چیدن میوه از درخت است (۲). واژه جنایت در دو معنای عام و خاص مورد استعمال واقع شده است. گروهی از قداما، گستره معنای جنایت را در مفهومی فراتر از صدمه زدن به تمامیت جسمی انسان و حیوان به کار برده و بر خساراتی که حیوانات به اموال دیگران می‌زنند نیز جنایت اطلاق کرده‌اند (۳-۴) لکن جنایت در معنای خاص فقهی آن، وارد کردن صدمه بدنی به فرد دیگر است اعم از کشتن، ایراد جراحت و یا شکستگی و مانند این‌ها (۵-۶).

۵. موضوع‌شناسی

دید دیده می‌شوند تبدیل می‌کند (۷). فقهای اسلامی موضوع بینایی چشم‌ها را با عناوین «فی ضوء العینین» و «الإبصار و فی فقهه الدیة» مورد ارزیابی قرار داده‌اند. واژه «ضوء» در منابع لغوی به معنای نور آمده است (۱۲-۱۳). براساس معنای مذکور، وقتی واژه «ضوء» به واژه «العین» اضافه شود مفید معنای نور چشم یا همان بینایی چشم خواهد بود. براساس معانی مذکور می‌توان گفت که حس بینایی نزد فقهای اسلامی، عبارت است از همان قوه و درکی که به واسطه آن می‌توان اشیا را بدون حس لامسه یا مداخله فیزیکی درک نمود (۱۴).

۶. دیه آسیب‌های ناشی از جنایت سر در قانون مجازات اسلامی

۶-۱. تعارض احکام دیه در آسیب ناشی از جنایت سر

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، جنایت جدید می‌تواند در اثر عوامل متفاوت در ادامه جنایت اول حادث شود. قانونگذار این حادثه را تحت جنایت زوال منفعت در نظر گرفته و یک قاعده کلی درباره چگونگی محاسبه دیه آن وضع کرده است. ماده ۵۴۶ ق.م.ا را می‌توان همان قاعده کلی دانست که مقرر شده است: «چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند اینکه با شکستن سر، عقل زائل شود، هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می‌شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند، نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زائل گردد یا نقصان یابد، ضربه یا جراحت و منفعت، هر کدام دیه جداگانه دارد.» هرچند زوال منفعت عقل در ماده مذکور قابل مشاهده است، اما به واسطه عبارت «مانند اینکه» که در

قانونگذار در مقام تقنین برای هریک از آن جنایات یک دیه مشخص مقرر کرده است. هرچند تعداد زوال منفعت که در اثر آسیب دیدن سر می‌تواند حادث شود بیش از آنچه هست که در نگارش حاضر یا ماده مذکور به آن تصریح شد، اما آنچه که موضوع پژوهش حاضر است و قانونگذار برای آنها دو ماده مستقل جزایی (۶۷۸ و ۶۹۲) وضع نموده است دو منفعت عقل و بینایی است که توضیح آنها به شرح ذیل است.

۱-۲-۵. منفعت عقل: مغز، از جمله اجزای سیستم عصبی مرکزی است که در دوران نمو به پنج بخش پیوسته تقسیم می‌شود که از جمله مهمترین بخش‌های آن تلانسفال یا همان مخ است که به نیمکره‌های بزرگ مغز تبدیل می‌شود (۱). مخ را می‌توان بزرگترین بخش مغز دانست که توانایی‌های ادراک، یادگیری، یادسپاری و اعمال هوشمندانه از جمله وظایف آن است. براساس نظرات تخصصی می‌توان دریافت که زوال منفعت عقل با آسیب دیدن مخ محقق می‌شود (۷). جستجو در آراء فقهی و حقوقی بیانگر آن است که مقصود از زوال منفعت عقل در بیان فقها و حقوقدانان، همان آسیب دیدن مخ و آثار مترتب بر آن است؛ زیرا مؤلفه‌های نداشتن قوه درک، نداشتن اندیشه و تمیز ندادن خوب و بد به عنوان ارکان اساسی زوال عقل شمرده شده است (۸-۹). از آنجا که در مفهوم جنون اختلاف نظر وجود دارد (۱۰) اما می‌توان گفت که اگر مقصود از جنون، حالتی است که فرد در آن هنگام نمی‌تواند متوجه رفتار و گفتار خود باشد به گونه‌ای که توانایی تشخیص خوب از بد را ندارد، در این صورت می‌توان گفت که زوال منفعت عقل مساوی با معنای جنون است. در کلام فقهای امامیه می‌توان عبارت «زائل شدن عقل» را برای واژه «جنون» مشاهده نمود (۱۱).

۲-۲-۵. منفعت بینایی: بینایی انسان از طریق چشم حاصل می‌شود. چشم‌ها اندام‌های حسی پیچیده‌ای هستند که از نقاط حساس به نور ابتدایی در سطح بدن بی‌مهرگان تکامل یافته‌اند. آن‌ها اطلاعات را از محیط جمع‌آوری می‌کنند و مغز این اطلاعات را به شکل یک تصویر از چیزهایی که در میدان

نص ماده آمده است می‌توان دریافت که حکم ماده یک قاعده کلی است و اشاره به «منفعت عقل» از باب بیان مثال نگارش شده است. قاعده کلی در ماده مذکور که درواقع استثنائی بر اصل تعدد دیات در ماده ۵۳۸ ق.م.ا است به این شرح است که اگر جنایت دوم در اثر جنایت اول حادث شود به گونه‌ای که اگر جنایت اول نبود، جنایت دوم هم پدید نمی‌آمد؛ آنگاه حکم به تداخل دیات شده و دیه بیشتر لازم خواهد شد. قانونگذار با عنوان کردن مثال «منفعت عقل» به صراحت مقرر می‌دارد که دیه جنایت کمتر در دیه جنایت بیشتر تداخل می‌کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است لازم می‌شود و در ادامه ماده مورد بحث تصریح می‌کند که اگر زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده، علت زوال یا نقصان منفعت به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند، نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زائل گردد یا نقصان یابد، ضربه یا جراحت و منفعت، هر کدام دیه جداگانه دارد؛ زیرا واضح است که اگر زوال منفعت عقل با ضربه‌ای غیر از ضربه اول به سر ایجاد شده باشد و یا جنایت اول، علت اصلی زوال منفعت عقل نباشد، آنگاه لازم است که به اصل تعدد دیات پایبند بود و برای هریک از جنایت اول و جنایت دوم، دو دیه یا ارش در نظر گرفت. مادامی که حکم دیه زوال منافع عقل و بینایی به عنوان جنایت مؤثر از جنایت اول، تحت قاعده کلی ماده ۵۴۶ ق.م.ا نگریسته شود هیچ‌گونه ابهام یا تعارضی موجود نیست؛ زیرا دریافت می‌شود که هرگاه زوال منفعت عقل و زوال منفعت بینایی ناشی از جنایت اول باشند به گونه‌ای که اگر جنایت اول نبود آنها هم نبودند، آنگاه حکم به تداخل دیات می‌شود. اما وقتی ماده ۶۷۸ ق.م.ا درباره منفعت عقل مورد مطالعه قرار می‌گیرد، آنگاه تعارضی آشکار معلوم می‌شود. قانونگذار در ماده ۶۷۸ مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت، عقل زائل شود یا نقصان یابد،

هریک دیه یا ارش جداگانه‌ای دارد.» همان‌طور که از نص ماده مذکور مشخص است قانونگذار بدون هیچ تقسیم‌بندی درباره اینکه زوال منفعت عقل مستقل از شکستن سر پدید آمده است یا اینکه در اثر شکستن سر حادث شده است به تعدد دیات قائل شده و مطلقاً برای هریک از جنایات شکستن سر و زوال منفعت عقل، دیه و ارش جداگانه وضع می‌نماید. در حالی که براساس حکم صریح ماده ۵۴۶ ق.م.ا لازم است ارزیابی شود که اگر زوال منفعت عقل، معلول شکستن سر باشد و هر دو با ضربه واحد ایجاد شده باشند آنگاه حکم به تداخل دیات شده و فقط دیه بیشتر لازم خواهد شد. با تعمق در قانون مجازات اسلامی می‌توان دریافت که عین تعارض مذکور درباره منفعت بینایی هم موجود است. قانونگذار در ماده ۶۹۲ همان قانون مقرر کرده است: «از بین بردن یا بیرون آوردن چشم از حدقه فقط یک دیه دارد و از بین رفتن بینایی، دیه دیگری ندارد لکن اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هرکدام حسب مورد دیه یا ارش جداگانه دارد.» همان‌طور که از نص ماده مذکور مشخص است؛ قانونگذار برای شکستن سر و زوال منفعت بینایی به دو دیه یا به دو ارش باور دارد. در حالی که مطابق با قاعده کلی متخذ از ماده ۵۴۶ ق.م.ا اگر جنایت بینایی، معلول جنایت شکستن سر باشد و هر دو با یک ضربه حادث شده باشند، آنگاه فقط دیه بیشتر لازم خواهد شد.

۲-۶. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه در رفع تعارض

همان‌طور که بحث شد، منفعت عقل و منفعت بینایی در قالب مواد قانونی ۶۷۸ و ۶۹۲ محل تعارض با ماده ۵۴۶ ق.م.ا قرار گرفته‌اند. لکن با جستجو در میان آرای مشورتی می‌توان نظریه متخصصان حقوقی را درباره تعارض منفعت عقل در ماده ۶۷۸ ق.م.ا با ماده ۵۴۶ ق.م.ا مورد توجه قرار داد. نظریه مورد بحث در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ طی کد ۷/۹۸/۵۳۶ با شماره پرونده ک ۶۳۵۱-۱/۶۸۱-۸۹ به شرح پیش‌رو می‌باشد.

دیات است، درواقع ناظر به قسمت آخر ماده ۵۴۶ می‌باشد و تعارض این دو ماده به این ترتیب قابل رفع است.

۳-۶. ارزیابی پاسخ نظریه مشورتی در رفع تعارض

در پاسخ نظریه مشورتی تلاش شده است که تعارض موجود به نحوی مورد رفع قرار گیرد، تلاش صورت گرفته از این قرار است که اطلاق ماده ۶۷۸ ق.م.ا در تعدد دیات شکستن سر و زوال منفعت عقل به بخش آخر ماده ۵۴۶ ق.م.ا عرضه شده است: «چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند، نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زائل گردد یا نقصان یابد، ضربه یا جراحت و منفعت، هر کدام دیه جداگانه دارد.» گویا قانونگذار در ماده ۶۷۸ ق.م.ا منحصرأ بر این باور است که زوال منفعت عقل یا با ضربه واحد که شکستن سر در اثر آن اتفاق افتاده است، نبوده و یا اینکه شکستن سر و زوال منفعت، لازم و ملزوم هم نبوده‌اند. مطابق با باور مذکور باید گفت که نظریه مشورتی تلاش می‌کند تا ماده ۶۷۸ ق.م.ا را از اطلاق خود خارج کرده و آن را منحصرأ همان منطوق بخش اخیر ماده ۵۴۶ ق.م.ا معرفی نماید. هرچند عرضه ماده ۶۷۸ ق.م.ا به بخش اخیر ماده ۵۴۶ ق.م.ا می‌تواند به حیث شکلی از مصادیق تفسیر قانون به قانون قرار گیرد و تعارض را برای مقام عمل درخصوص منفعت عقل رفع نماید، اما گستره تعارض موجود به سه دلیل، فراتر از عرضه اطلاق یک ماده قانونی به منطوق یک ماده قانونی دیگر است؛ دلیل اول عبارت است از آنکه خارج کردن ماده ۶۷۸ ق.م.ا از اطلاق خود نیازمند دلیل و قرینه معتبر است که چنین دلیلی نه‌تنها در قوانین مجازات اسلامی یافت نمی‌شود، بلکه به قرینه ماده ۶۹۲ ق.م.ا که در جای مناسب خود از آن بحث خواهد شد، معلوم می‌شود که قرائن قانونی بیشتر تمایل به ثبوت اطلاق ماده ۶۷۸ دارد نه انصراف از آن. همچنین باید در نظر داشت که قانونگذار در ماده ۶۷۸ ق.م.ا به صراحت اعلام می‌دارد: «هرگاه در اثر

با عنایت به مواد ۵۴۶ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت صدمه بزرگتری به وجود آید هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند و تنها دیه زوال منفعت یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می‌شود و ۶۷۸ قانون مذکور با تعبیری متعارض بیان نموده هرگاه در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت عقل زائل شود یا نقصان یابد هریک دیه یا ارش جداگانه‌ای دارد حال رفع تعارض این دو ماده چگونه به عمل می‌آید. لازم به ذکر است که ابهام و تعارض میان دو ماده ۵۴۶ ق.م.ا و ۶۷۸ ق.م.ا در نظریه مشورتی دیگری به غیر از نظریه ذکر شده در پژوهش حاضر با شماره ۷/۹۸/۷۶۵ در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۸ به شماره پرونده ک ۵۶۷-۱/۶۸۱-۸۹ موجود می‌باشد. قوت تعارض در استعلام نظریه مشورتی مذکور تا آنجا است که نظریه نسخ میان دو ماده مورد بحث طرح شده است.

نظریه مشورتی در رفع تعارض چنین گفته است که ماده ۵۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شامل دو قسمت است با این توضیح که صدر ماده ناظر به موردی است که با یک ضربه یا جراحت صدمه بزرگتری به وجود آید، مانند اینکه با شکستن سر، عقل زائل شود. هرگاه آن ضربه یا جراحت سبب زوال یا نقصان منفعت شود، دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند؛ ولی قسمت دوم ماده ۵۴۶ که حاکی از عدم تداخل دیات است، ناظر به موردی است که زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده لزوماً علت زوال یا نقصان منفعت نباشد؛ بلکه اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زائل گردد. به تعبیر دیگر ایراد ضربه یا جراحت با زوال منفعت یا نقصان لازم و ملزوم یکدیگر نباشند که در این صورت ضربه یا جراحت و منفعت هر کدام دیه جداگانه دارد و ماده ۶۷۸ قانون مذکور که مبتنی بر عدم تداخل

صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت، عقل زائل شود یا نقصان یابد، هریک دیه یا ارش جداگانه‌ای دارد.» از پیوستگی عبارت «در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت، عقل زائل شود» وجود ضربه واحد به ذهن متبادر می‌شود و از آنجا که تبادل نشانه حقیقت است، استنباط برخلاف وجود ضربه واحد، نیازمند دلیل معتبر است. اگر قرار بود که قانونگذار از ماده ۶۷۸ ق.م.ا، ضربات متعدد را اراده کند مانند ماده ۵۴۶ ق.م.ا در مقام بیان برآمده و همان‌طور که در آن ماده به تقسیمات ضربه واحد و ضربات متعدد پرداخته و احکام هریک را مستقلاً بیان نموده، لازم بود که در ماده ۶۷۸ ق.م.ا هم به تقسیم مذکور بپردازد زیرا قانونگذار در مقام بیان است و استنباط خلاف از منطوق نیازمند دلیل معتبر است. اما دلیل دوم عبارت است از اینکه تعارض موجود فقط درباره زوال منفعت عقل نیست، بلکه همین تعارض درباره زوال منفعت بینایی در ماده ۶۹۲ ق.م.ا هم قابل طرح است. زیرا همان‌طور که در ماده ۶۹۲ ق.م.ا اشاره شد قانونگذار به صورت مطلق و صریح بر این باور است: «... اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هرکدام حسب مورد دیه یا ارش جداگانه دارد.» نص مذکور، حاکی از تعارض آن با قاعده کلی ماده ۵۴۶ ق.م.ا است که اعلام می‌داشت اگر جنایت دوم در اثر جنایت اول باشد و با ضربه واحد صورت پذیرد، آنگاه فقط دیه بیشتر لازم خواهد شد؛ زیرا همان‌طور که از نص ماده ۶۹۲ ق.م.ا قابل مشاهده است مانند ماده ۶۷۸ ق.م.ا هیچ‌گونه تفاوتی میان ضربه واحد و ضربات متعدد در ماده مورد نظر وجود ندارد و در هر صورت برای هریک از جنایات شکستن سر و زوال منفعت بینایی، یک دیه یا ارش مستقل در نظر گرفته شده است. دلیل سوم که موجب تقویت تعارض شده و پاسخ نظریه مشورتی را در رفع قطعی تعارض ضعیف می‌دارد آن است که چرا قانونگذار فقط دو منفعت عقل و بینایی را تحت مواد قانونی مستقل وضع کرده و مطلقاً آنها را در هر فرضی مشمول حکم تعدد دیات دانسته است؛ آیا

می‌توان با توجه به خصوصیت نظام دیات، پنداشت که حکم زوال همه منافع در اثر جنایت بر سر از ماده ۵۴۶ ق.م.ا تبعیت می‌کند و فقط دو منفعت عقل و بینایی هستند که به دلیل خاص روایی از دایره شمول ماده ۵۴۶ ق.م.ا خارج هستند و نباید آنها را با حکم اخیر ماده ۵۴۶ ق.م.ا تخصیص زد؛ اگر این‌طور نیست و هیچ فرقی میان منافع نبوده و همه را می‌توان تحت شمول ماده ۵۴۶ ق.م.ا قرار داد، پس چرا قانونگذار فقط درباره دو منفعت عقل و بینایی به وضع ماده مستقل اقدام کرده است؟ آیا دلیل خاص روایی یا فقهی پشت این تبعیض است. همان‌طور که اشاره شد، شاید پاسخ نظریه مشورتی بتواند این تعارض را در مقام عمل و آن هم فقط درباره منفعت عقل به طور جزئی رفع نماید، اما موضوع آن است که تعارض موجود فراتر از یک موضوع شکلی و مصداق جزئی مانند منفعت عقل است؛ تعارض موجود عبارت است از تعارض یک قاعده کلی تحت عنوان قاعده استثنائی تداخل دیات با منطوق مواد ۶۷۸ و ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی که رفع آن نیازمند تصمیم جدی‌تری در قانون مجازات است. نخستین گام برای حل تعارض موجود عبارت است از داوری میان قاعده استثنایی تداخل دیات در ماده ۵۶۴ ق.م.ا با اعلان اصل تعدد دیات در مواد ۶۷۸ و ۶۹۲ همان قانون.

۷. زوال منافع ناشی از جنایت سر در حقوق اسلامی

۷-۱. زوال منافع ناشی از شکستن سر در روایات

با تتبع در روایات فقه الدیات می‌توان روایتی را تحت عنوان روایت ابوعبیده حذاء مورد مشاهده قرار داد که بخشی مهمی از آن مرتبط با موضع پژوهش حاضر است. در روایت مورد نظر، عقل مجنی‌علیه به واسطه شکستن سر زائل شده است. ابوعبیده حذاء از امام محمد باقر (ع) روایت می‌کند که از ایشان درباره مردی پرسیدم که با ستون خیمه بر سر مردی یک بار کوبیده تا آنکه ضربه به مغز او رسیده و عقلش از بین رفته است. حضرت فرمودند: «اگر مضروب در اثر ضربه نه وقت نماز می‌فهمد و نه آنچه می‌گوید و نه آنچه درباره‌اش

می‌گویند، در این صورت یک سال منتظر می‌مانند اگر در این فاصله یک سال مُرد، ضارب در برابر مضروب قصاص می‌شود ولی اگر در این فاصله نمرّد و عقلش هم به او باز نگشت، ضارب در مالش به دلیل از بین رفتن عقل او، ضامن دیه است. ابوعبیده می‌گوید: به امام گفتم: «پس شما در این جراحت بر چیزی نظر ندارید؟» حضرت فرمودند: «نه؛ چرا که او تنها یک ضربت زده و این یک ضربه، دو جنایت وارد کرده است و من او را به سخت‌ترین جنایت ملزم می‌سازم که دیه است، ولی اگر دو ضربت به او زده بود و دو ضربت، دو جنایت وارد ساخته بود، من او را ملزم به دو جنایت می‌دانستم...» (۱۵). روایت مذکور از دو جهت سندی و دلالتی نیازمند بررسی است. روایت ابوعبیده حذاء به حیث سندی با ضعف مواجه نیست و مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفته است (۱۶).

درباره تحلیل دلالت روایت باید گفت که با مذاقه در روایت مورد بحث می‌توان دو جنایت را که ناشی از ضربه واحد است مورد نظر قرار داد؛ اول جنایتی است که فرد جانی با عمود خیمه به سر مجنی‌علیه وارد کرده و سر وی را دچار آسیب کرده است. دوم جنایت زوال منفعت عقل است. امام محمد باقر (ع) در مقام وضع دیه برای جنایات ایجاد شده می‌فرماید که فرد ضارب باید دیه زوال منفعت عقل را پرداخت نماید شخص سائل با تعجب از امام می‌پرسد که دو جنایت شکستن سر و زوال منفعت عقل برای مجنی‌علیه ایجاد شده است، آیا نباید فرد ضارب به دو دیه محکوم شود؟ امام محمد باقر (ع) در مقام پاسخ می‌فرماید که دو جنایت مذکور در اثر ضربه واحد ایجاد شده است و جنایت دوم به دنبال جنایت اول ایجاد شده است که در این صورت، فقط سخت‌ترین جنایت؛ یعنی دیه زوال منفعت عقل مورد لحاظ واقع می‌شود.

کلام امام محمد باقر (ع) مبین قاعده کلی استثنا بر اصل تعدد دیات است که در روایات دیگر قابل مشاهده است (۱۷-۱۸). توجه به جنایات پیش آمده در روایت ابوعبیده حذاء بیانگر یک رابطه خاص میان جنایت ضربه به سر و زوال منفعت عقل است؛ زوال منفعت عقل در روایت مورد بحث با حرف «فاء»

عطف به آسیب به سر برمی‌گردد و مشخص می‌شود که زوال عقل، معلول ضربه به سر بوده و رابطه سببیت را میان آنها محرز می‌کند. براساس مطالب مذکور معلوم می‌شود که با در نظر گرفتن دو مؤلفه مهم، می‌توان هرگاه دو جنایت با ضربه واحد ایجاد شود را از اصل تعدد دیات خارج کرد و فقط دیه بیشتر را لازم دانست. مؤلفه نخست، وجود دو جنایت در اثر ضربه واحد است؛ مقصود از عبارت مذکور آن است که جنایت اول و دوم باید به حیث حد و مرز از یکدیگر مستقل بوده طوری که بتوان جنایت اول را از جنایت دوم مشخص نمود. مانند مصداقی که در روایت ابوعبیده حذاء بود و جنایت اول که ضربه به سر بود مشخص بود و جنایت دوم که زوال منفعت عقل باشد کاملاً از جنایت اول مستقل بود. نکته مهم در وجود مؤلفه اول آن است که هرچند، جنایت دوم در طول جنایت اول است، اما از جهت ماهوی، مستقل از یکدیگرند؛ زیرا اگر وجود دو جنایت در حادثه پیش آمده احراز نشود، آنگاه مصداق واقعی روایت برای تطبیق حکم نخواهد بود. دومین مؤلفه مهم در موضوع مورد بحث؛ احراز رابطه سببیت میان جنایت دوم با جنایت اول است. اگر جنایت دوم هیچ‌گونه رابطه‌ای با جنایت اول نداشته باشد، نمی‌توان آن را معلول جنایت اول دانست و طبعاً نمی‌تواند مصداق موضوع روایت ابوعبیده حذاء باشد؛ زیرا عبارت در روایت مورد نظر کاملاً تصریح داشت که زوال منفعت عقل در اثر و سبب ضربه به سر باید ایجاد شود؛ براساس مؤلفه دوم، اگر زوال منفعت عقل در اثر ضربه دوم یا ضربات دیگر به غیر از همان ضربه اول ایجاد شود، حکم به تعدد دیات خواهد شد نه تداخل دیات.

۲-۷. زوال منافع ناشی از جنایت سر در فقه امامیه

فقه‌های امامیه به اصل تعدد دیات اعتقاد کامل دارند و تداخل دیات را از امور استثنائی می‌دانند. با ارزیابی آثار فقهی می‌توان مصادیق متفاوتی از باورمندی به تداخل دیات را مورد مطالعه قرار داد. بخشی از مصادیق فقهی که درباره تداخل دیات قابل مشاهده است مربوط به تداخل دیه نفس در جنایات یا جنایات قبل از خود می‌باشد. مانند آنجا که جنایتی بر دست وارد

می‌شود و موجب قطع دست شده و جراحی قطع دست به جنایت بر نفس منجر شده و فقط دیه نفس لازم می‌شود (۲۰-۱۹). یا مانند آنجا که مسلمانی دست دمی را قطع کند لکن دمی، مسلمان شده و جراحی وارده در نفس وی تداخل کرده و به مرگ وی منجر می‌شود (۲۳-۲۱). از دیگر مصادیق فقهی برای موضوع تداخل؛ بحث تداخل جنایات در اعضای بدن است. مانند آنکه جراحی وارد آمده بر دست مجنی‌علیه به عضو دیگر بدن وارد شده و منجر به یک جنایت دیگر شده و موجب تداخل دیات می‌شود (۲۴). یا مانند قطع انگشت در مجنی‌علیه که سرایت کرده و موجب قطع کف دست شود و فقط دیه قطع لازم می‌شود (۲۷-۲۵). اما همان‌طور که فقهای امامیه درباره تداخل دیات در مورد نفس و اعضای بدن به بحث پرداخته‌اند، درباره زوال منافع هم به این مهم اقدام کرده‌اند. هرچند فقهای امامیه درباره مصداق زوال منفعت بسیار کم بحث کرده‌اند اما بارزترین مصداق در این باره را می‌توان جنایتی دانست که بر گوش وارد شده و به علل مختلف مانند عفونت یا هر علت دیگری به منفعت شنوایی سرایت کرده و جنایت زوال شنوایی را به وجود آورده است «لو قطع الأذن مثلاً فسری إلى السمع» همان‌طور که از واژه «فسری» در عبارت مذکور مشخص است، جنایت قطع گوش موجب سرایت به شنوایی شده و سبب زوال شنوایی را فراهم آورده است. فقهای امامیه در جنایت مذکور بر این باور هستند که چون زوال شنوایی، معلول قطع گوش بوده و در اثر آن ایجاد شده است پس اصل تعدد دیات متزلزل شده و با رعایت تداخل دیات به دیه بیشتر حکم خواهد شد (۲۵، ۲۸). براساس مطالب مذکور معلوم می‌شود که فقهای امامیه مانند روایات موجود مثل روایت ابوعبیده حذاء بر این باور هستند که اگر در اثر ضربه واحد، جنایتی پدید آید و جنایت دومی در اثر جنایت اول حادث شود به گونه‌ای که جنایت دوم، معلول جنایت اول باشد در این صورت چون رابطه سببیت میان

جنایت دوم با جنایت وجود دارد پس دیه جنایت خفیف‌تر در دیه جنایت شدیدتر تداخل می‌کند (۳۰-۲۹).

۳-۷. عرضه فقهی مواد ۶۷۸ و ۶۹۲ قانون مجازات به ماده ۵۴۶ ق.م.ا

براساس مطالعات روایی و فقهی صورت گرفته معلوم می‌شود که هرگاه دو جنایت در اثر ضربه واحد ایجاد شود به گونه‌ای که جنایت دوم در طول جنایت اول ایجاد شود و معلول جنایت اول باشد آنگاه دیه جنایت کمتر در دیه جنایت بیشتر تداخل کرده و فقط دیه بیشتر یا به اصطلاح، دیه غلیظ‌تر لازم می‌شود. براساس قاعده مذکور که درواقع به عنوان یک استثنا بر اصل تعدد دیات شناخته می‌شود باید گفت که ماده ۵۴۶ ق.م.ا از مبانی صحیح فقهی برخوردار است؛ زیرا قانونگذار به‌طور کلی و برای همه جنایات از جمله جنایاتی که به زوال منافع ختم می‌شود مقرر می‌دارد چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحی، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند اینکه با شکستن سر، عقل زائل شود، هرگاه آن جراحی علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحی واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحی در دیه بیشتر تداخل می‌کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می‌شود. لکن براساس مطالب مذکور باید گفت که اطلاق مواد قانونی ۶۷۸ و ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی در تعدد دیات یا ازش با اشکال مبنایی مواجه است؛ زیرا زوال منافع عقل و بینایی می‌تواند در طول شکستن سر حادث شود و دیه شکستن سر در دیات آنها تداخل نماید. با مذاقه در نص ماده ۶۷۸ ق.م.ا معلوم می‌شود که نه تنها ماده مورد نظر، بیانگر هیچ نکته و مقررات جدیدی نیست، بلکه فقط ایجاد ابهام کرده و بستر تعارض با ماده ۵۴۶ ق.م.ا را فراهم کرده است. بر این اساس به نظر می‌رسد که اگر قانونگذار اقدام به حذف ماده ۶۷۸ ق.م.ا نماید، قطعاً قانون دیات را رساتر و قابل فهم‌تر خواهد کرد. درباره ماده ۶۹۲ ق.م.ا که مبین زوال منفعت بینایی است، همین پیشنهاد قابل طرح است با این تفاوت که ماده ۶۹۲ ق.م.ا از دو بخش مجزا تحریر شده است. بخش

نخست ماده به از بین بردن یا بیرون آوردن چشم از حدقه اشاره دارد که از احکام خاص خود تبعیت می‌کند و این بخش مورد نظر پژوهش حاضر نیست، اما قانونگذار در ادامه ماده که بخش دوم ماده را شامل می‌شود اضافه کرده است «اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هرکدام حسب مورد دیه یا ارش جداگانه دارد» بخش مذکور که محل بحث حاضر است همان قانونی است که نه‌تنها پرده از ابهامی برای متخصصین یا کارشناسان قضایی و پزشکی برنمی‌دارد، بلکه فقط ایجاد ابهام کرده و بستر تعارض را با ماده ۵۴۶ ق.م.ا ایجاد کرده است. بر این اساس به نظر می‌آید اگر قانونگذار به حذف بخش دوم ماده ۶۹۲ ق.م.ا هم اقدام نماید، قطعاً مخاطبین عام و خاص قانون را با مسیر روشن‌تری مواجه می‌سازد. هرگاه هرگونه زوال منفعتی اعم از منافع عقل، بینایی، شنوایی، بویایی و ... در اثر جنایت بر سر مورد زوال واقع شود با استناد به ماده ۵۴۶ ق.م.ا می‌توان به داوری آن نشست و در فروض متفاوت ضربه واحد و ضربات متعدد و همچنین با در نظر گرفتن رابطه علت و معلولی میان دو جنایت به حکم دیات آنها دست یافت.

۸. نتیجه‌گیری

چگونگی حکم دیات در جنایات زوال منافع که در اثر شکستن یا هرگونه ضربه به سر برای مجنی‌علیه ایجاد می‌شود ازجمله موضوعات موجود در قانون مجازات اسلامی است که با وضع تعدد مواد قانونی درباره آن به ورطه ابهام و چالش تعارض کشیده شده است. براساس ارزیابی‌های فقهی صورت گرفته، معلوم می‌شود که قاعده استثنایی ماده ۵۴۶ ق.م.ا درباره تداخل دیات با ضوابط روایی و فقهی امامیه همپوشانی دارد و همین‌که زوال منفعت در طول جنایت قبل از خود ایجاد شود، دیه کمتر در بیشتر تداخل کرده و فقط به یک دیه حکم می‌شود. براساس مطالب مذکور باید گفت که شایسته‌ترین روش برای دوری‌گزینی از ابهام و نیز در جهت رفع تعارض میان ماده ۵۴۶ ق.م.ا با مواد ۶۷۸ و ۶۹۲ همان قانون، لازم

است که بخش مرتبط با چگونگی محاسبه دیه زوال منافع در دو ماده ۶۷۸ و ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی حذف شود؛ زیرا با وجود قاعده استثنایی تداخل دیات در ماده ۵۴۶ ق.م.ا می‌توان حکم همه منافع زائل شده در طول جنایت شکستن سر را بدون نیازمندی به ماده اضافه دیگری، روشن نمود.

References

1. Chigīnī, H.R. Ānātumī Sar Wa Gardan. Tehran: Hiydarī. 2019(1398). 10:25 & 54. [In Persian]
2. Rāghib Iṣfahānī, H. Mufradāt Alfāz al-Qur'ān. Lebanon: Dār al-'Ilm al-Dār al-Shāmmīyyat. 1992(1412). 207. [In Arabic]
3. Mufīd, M. al-Muqni'at. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Hūzat 'Ilmīyyat Qum. 1990(1410). 770. [In Arabic]
4. Zuḥaylī, M. al-Fiqh al-Islāmī Wa Adillatih. Damascus: Npn. 1984(1404). 6: 353. [In Arabic]
5. Hāshimī Shāhrūdī, SM. Farhang Fiqh Muṭābiq Madhhab Ahl al-Bayt. Qum: Fiqh Wa Ma'ārif Ahl al-Bayt. 2006(1426). 3: 120. [In Arabic]
6. 'Udat, A. al-Tashrī' al-Jinā'ī al-Islāmī Muqārīnat bil-Qānūn al-Waḍ'ī. Cairo: Dār al-Turāth. Nd. 1: 67. [In Arabic]
7. Ganong V. Medical Physiology. Trans: Ha'eri, A. Tehran: Andīshih Raft'. 2016(1395). 376-379 & 240-241. [In Persian]
8. Muqtadā'ī, M. Dars khārij Fiqh. Qum: Pāygāh Dars khārij Fiqh. 2012(1391). 57. [In Persian]
9. Subḥānī, J. Dars khārij Fiqh. Qum: Pāygāh Dars khārij Fiqh. 2012(1391). 32. [In Persian]
10. Ja'farī Langirūdī, MJ. Tirmīnuluzhī Ḥuqūq. Tehran: Ganj Dānīsh. 1999(1378). 621. [In Persian]
11. Muḥaqqiq Ḥillī, J. al-Nihāyat Wa Nukātuhā. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Hūzat 'Ilmīyyat Qum. 1992(1412). 2: 423. [In Arabic]
12. Ibn Manzūr, M. Lisān al-'Arab. Beirut: Dār Sādir. 1994(1414). 1: 112. [In Arabic]
13. Ibn Aḥmad, KH. Sharḥ al-Muṣṭalahāt al-Falsafīyyat. Qum: Majma' al-Buḥūth al-Islāmīyyat. 1989(1409). 7: 74. [In Arabic]
14. al-Muqaddasī, A. al-Sharḥ al-Kabīr 'Alā Matn al-Moqni'. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī lil-Nashr Wa al-Tawzī'. 2003(1423). 1: 75. [In Arabic]
15. Kuliynī, M. al-Kāfī. Qum: Dār al-Ḥadīth. 2008(1387). 7: 325. [In Arabic]
16. Majlisī, MB. Mirāt al-'Uqūl. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyyat. 1984(1363). 24: 113. [In Arabic]
17. Ṭūsī, M. al-Khilāf. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Hūzat 'Ilmīyyat Qum. 1987(1407). 10: 292. [In Arabic]
18. Kūfī, M. al-Ja'farīyyāt al-Ash'athīyyāt. Tehran: Maktabat Niynawā al-Ḥadīthīyyat. Nd. 121. [In Arabic]
19. Ḥillī, I. al-Sarā'ir al-Hāwī lil-Taḥrīr al-Fatāwī. Qum: Daftar Intishārāt Islāmī. 1990(1410). 3: 413. [In Arabic]
20. Ṭūsī, M. al-Mabsūṭ Fī Al-Fiqh al-Imāmīyyat. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyyat Li-Iḥyā' al-Āthār al-Ja'farīyyat. 2008(1387). 7: 65. [In Arabic]
21. Najafī, M. Jawāhir al-Kalām. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. 1983(1403). 42: 159. [In Arabic]
22. Shahīd Thānī, Z. Masālik al-Afhām. Qum: al-Ma'ārif al-Islāmīyyat. 1993(1413). 15: 146. [In Arabic]
23. Shahīd Awwal, M. Ghāyat al-Murād Fī Sharḥ Nukāt al-Irshād. Qum: Daftar Tablīghāt Islāmī. 1994(1414). 4: 350. [In Arabic]
24. Fāḍil Hindī, M. Kashf al-Lithām. Qum: Jimā'at al-Mudarrisīn Fī Hūzat 'Ilmīyyat Qum. 1996(1416). 11: 178. [In Arabic]
25. Khomeini SR. Taḥrīr al-Wasīlat. Tehran: Tanzīm Wa Nashr Āthār Imām Khomeini. Nd. 2: 549 & 574. [In Arabic]
26. Ḥillī, H. Mukhtalif al-Shī'at. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Hūzat 'Ilmīyyat Qum. 1995(1374). 3: 631. [In Arabic]
27. Sabziwārī, A. Muḥadhdhab al-Aḥkām. Qum: al-Siyyid 'Abd al-A'lā al-Sabziwārī. 1993(1413). 29: 40. [In Arabic]
28. Lankarānī, MF. Tafṣīl al-Sharī'at. Qum: A'imat Aṭhār. 2001(1421). 138. [In Arabic]
29. Khū'ī, SA. Mabānī Takmilat al-Minhāj. Qum: Iḥyā' Āthār al-Imām al-Khū'ī. 2002(1422). 42: 428. [In Arabic]
30. Madanī Kāshānī, R. Kitāb al-Dīyyāt. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Hūzat 'Ilmīyyat Qum. 1988(1408). 265. [In Arabic]



MfJ

Medical Fighh Journal

2022; 14(44): e5

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/en-mf>



ORIGINAL RESEARCH

Rereading the blood money for head fracture in the Islamic Penal Code (Proposal to remove article 678 and to amend article 692 of IPC)

Taha Zargarian^{1*} 

1. Assistant Professor of Law, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 30 July 2022

Accepted: 2 October 2022

Published online: 15 January 2023

Keywords:

blood money

blood money of benefits

head fracture

Islamic Penal Code

ABSTRACT

Background and Aim: Some crimes that are inflicted on victim's head and skull can damage the brain and disrupt or completely deteriorate the interests under the control of the brain. In this assumption, victim's head is accompanied with multiple crimes; the first crime is when the head or skull itself is damaged, and the second crime is when an interest such as vision, hearing, intellect, smell, etc. is affected as a result of the first crime. Although the criminal legislator has enacted legal articles for the deterioration of these benefits, some of these legal articles are in conflict with each other.

Materials and Methods: This article has been written by descriptive analytical method by using library resources through data collection.

Conclusion: The criminal legislator has generally stipulated that if the second crime was committed as a result of the first crime and with a single blow, despite the multiple crimes, it is ruled to interfere the blood moneys. However, by studying the legal articles 678 and 692 of the Islamic Penal Code, it can be seen that the legislator by entering into the loss of the interest of reason and vision as a result of a head fracture, without paying attention to the relationship of the second crime with the first crime or dividing it into single and multiple injuries, has absolutely ruled the multiplicity of blood moneys. This ruling has caused a conflict between the two mentioned articles with the general rule of Article 546 of the Islamic Civil Code; As far as it has confused judicial experts and led to the advisory theory of the General Legal Department of the Judiciary. The present research is trying to prove the sufficiency of the mentioned article for the relevant issues by Jurisprudential evaluation of the rule adopted from Article 546 and to propose deleting Article 678 and amending the second part of Article 692.

* Corresponding Author: Taha Zargarian

Address: Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

Email: tahazargariyan93@abru.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Cite this article as:

Zargarian T, Rereading the blood money for head fracture in the Islamic Penal Code (Proposal to remove article 678 and to amend article 692 of IPC). *Med Fighh J* 2022; 14(44): e5.